



فصلنامه اولی فاخته

فصلنامه ادبی، فرهنگی و هنری دانشگاه الزهراء (س) تهران
سال اول شماره ۲، پاییز ۹۷ قیمت ۲۰۰۰ تومان

داستان

شعر

سینما
نقد فیلم

موسیقی

فایشنامه

تئاتر

عکس

نقاشی

معرفی کتاب

بیت بر سر کوه سینه
بناش بر کوه سینه
بناش بر کوه سینه

گر خاک شود این تن
پیروخ نشود در کوه سینه



فهرست آنچه برای چشمانت فراهم آوردیم:

- ۲ یادداشت سردبیر، شناسنامه فصلنامه
- ۳ کتاب "بهترین شکل ممکن" اثری دیگر از قلم زرین مصطفی مستور
- ۴ سی و دومین کتاب ایوب آقاخانی منتشر شد
- ۵ نگاهی به فیلم تحسین برانگیز "تنگه ابوقریب"
- ۶ به بهانه اکران "مغزهای کوچک زنگ زده"
- ۷ شعر زمان ما
- ۸ من خواب دیده‌ام، بخشیده می‌شویم (فایشنامه)
- ۹ رویدادهای عکاسی در آغاز پاییز
- ۱۰ رویدادهای نقاشی در آغاز پاییز
- ۱۱ آشنایی با دستگاههای موسیقی ایرانی
- ۱۳ زیارت اربعین



مدیر مسئول: زهرا حسینی

سردبیر: فرشته محمدی

دبیر اجرائی و هماهنگی: کانون ادبی و امور فرهنگی

ناظر فنی و محتوایی: حسین ابراهیمی

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه کمانکش

هیات تحریریه:

زهرا حسینی، فرشته محمدی، فاطمه کمانکش (یاسمن پاکروان)، حسین ابراهیمی،

عسل عمادی، زهرا کارگر.

یادداشت سردبیر:

سیاس خداوند یگانه را که عمری عطا کرد، تا در فصلی دیگر با شما خوانندگان جان، هم سخن گردیم. پاییز دل آویز را آنچنان آغاز نمودیم که برگریزان شهدای کربلا بود. همت ایشان، سرلوحه قدم‌های علمی‌مان، و دعای خیر امام و یارانش، بدرقه راهمان. باشد که همچون یک شیعه بی آرایش و مقتدر، حافظ آنچه از علم و ایمان و عمل در شان و شعور یک مسلمان ایرانی است، باشیم. از اینکه شانه به شانه در کنارمان هستید به خود می‌بالیم. نام بانوی آب و آینه، بیمه‌ی مسیر تلاش و علم آموزی شما عزیزان باد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه الزهراء بوده و هرگونه بهره‌برداری منوط به کسب اجازه از انجمن می باشد. استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ و رعایت حقوق نویسندگان بلامانع است. کلیه مطالب این فصلنامه از منابع معتبر، مصاحبه حضوری و کتابهای چاپ شده استخراج شده است. از کلیه نویسندگان و شاعران علاقمند به همکاری با این فصلنامه تقاضا می شود آثار خود را همراه مشخصات و شماره تماس خود به شماره ۰۹۳۶۰۳۱۲۸۲۵ ارسال نمایند.

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

دانشگاه الزهراء
معاونت فرهنگی - اجتماعی
انجمن کانون های ادبی

کتاب "بهترین شکل ممکن" اثری دیگر از قلم زرین مصطفی مستور



مصطفی مستور در ۱۳۴۳ در اهواز به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۶۷ در رشته مهندسی عمران از دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ‌التحصیل شد و دوره کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات فارسی در همان دانشگاه گذراند. وی هم اکنون ساکن تهران است. مصطفی مستور نخستین داستان خود را با عنوان دو چشمخانه خیس در سال ۱۳۶۹ نوشته و در همان سال در مجله کیان به چاپ رساند. وی نخستین کتاب خود را نیز در سال ۱۳۷۷ با عنوان عشق روی پیاده‌رو شامل ۱۲ داستان کوتاه به چاپ رساند. از آثار وی می‌توان به کتابهای زیر اشاره نمود.

روی ماه خداوند را ببوس (رمان) ۱۳۷۹، نشر مرکز

چند روایت معتبر (مجموعه داستان) ۱۳۸۲، نشر مرکز

استخوان خوک و دست‌های جذامی (رمان) ۱۳۸۳، نشر مرکز

حکایت عشقی بی‌قاف، بی‌شین، بی‌نقطه (مجموعه داستان) ۱۳۸۴، نشر چشمه

عشق روی پیاده‌رو (مجموعه داستان) ۱۳۷۷، نشر ریش

من دانای کل هستم (مجموعه داستان) ۱۳۸۳، انتشارات ققنوس

من گنجشک نیستم (رمان) ۱۳۸۷، نشر مرکز

تهران در بعد از ظهر (مجموعه داستان) ۱۳۸۹، نشر چشمه

سه گزارش کوتاه درباره نوبد و نگار (رمان) ۱۳۹۰، نشر مرکز

رساله ای درباره نادر فارابی (رمان) ۱۳۹۴، نشر چشمه

بهترین شکل ممکن (مجموعه داستان) ۱۳۹۵، نشر چشمه

تهران در بعدازظهر (مجموعه داستان) ۱۳۹۶، نشر چشمه

زیر نور کم (مجموعه داستان) ۱۳۹۶، نشر چشمه

عشق و چیزهای دیگر (داستان بلند) ۱۳۹۶، نشر چشمه

پرسه در حوالی زندگی (تصویر و متن)، نشر چشمه

او برگزیده بهترین رمان سال‌های ۷۹ و ۸۰ جشنواره قلم زرین برای رمان روی ماه خداوند را ببوس و نیز برگزیده بهترین رمان سال ۱۳۸۳ جایزه ادبی اصفهان برای رمان استخوان خوک و دست‌های جذامی، برنده لوح تقدیر از نخستین مسابقه داستان‌نویسی صادق هدایت گردیده است.

”توی آزمایشگاه مدارهای الکترونیکی دانشگاه تهران چشمم افتاد به فرشته. سه ترم بود باهم همکلاس بودیم اما انگار هرگز او را ندیده بودم مثل ساعتی بود که روی میچ بسته باشی یا عینکی که روی چشم هایت باشد اما آنها را نبینی و دنبالشان بگردی. از سال‌ها پیش، دست کم از هفده سالگی که به شکل جدی به عشق فکر کرده‌ام، همیشه وقتی در خیابان یا فرودگاه یا رستوران یا مترو یا فروشگاه یا هر جای دیگری به دختری برمی‌خورم که به قول اردشیر برگی، همکلاسی سابقم در دبیرستان رازی، «جان می‌دهد برای این که عاشقش شوی»، این وسوسه را داشته‌ام که بروم سراغ او و با ادب و احترام تمام بگویم: «خانم شما فوق‌العاده زیبا هستید و من در یک نگاه عاشق تون شده‌م و قسم می‌خورم اگه با من ازدواج کنید می‌تونم به بهترین شکل ممکن خوشبخت تون کنم.» دقیقه‌ای به وضعیتی که در آن گرفتار شده بود، فکر کرد. به نظرش رسید میلیون‌ها قاتل حرفه‌ای بر تک تک سلول‌های خونی‌اش سوار شده‌اند و در سرتاسر قلمرو بدنش تاخت و تاز می‌کنند. فکر کرد وسط تماشای فیلم مهیجی در سینما با احترام به او می‌گویند از سینما بزنند بیرون. وقتی بچه بودم یکشنبه‌ها با مادر بزرگم می‌رفتم کلیسا. یه بار کشیش توی یکی از موعظه‌هاش چیزی گفت که هنوز یادمه. گفت اسم خداوند خاصیتی داره که هیچ اسم دیگه ای نداره. گفت اگه یکی از اسم‌های خداوند رو مدام تکرار کنی، حتی اگه معنایش رو ندونی، یا از اون بدتر، حتا به چیزی که میگی باور نداشته باشی، گفتنش کم کم روی تو تاثیر می‌ذاره. گمونم منظورش یه جور تاثیر معنوی بود. خوب، من بعدها فهمیدم چیزهای دیگه ای هم هست که دقیقا همین جوری‌اند. منظورم کلماتیه که حتا اگه یه ذره هم بهشون اعتقاد نداشته باشی، وقتی مدام تکرارشون کنی تاثیر وحشتناکی رو آدم می‌ذارن. آدم‌ها در زندگی باید خیلی خوش شانس باشند که درست زمانی عاشق کسی شوند که طرف در حال خروج از عشق فعلی‌اش باشد... آدم‌ها دلیل روشنی برای عاشق شدن ندارند گرچه برای خروج از آن اغلب دلایل موجهی وجود دارد؛ گیرم یکی از این دلایل عشقی تازه باشد.“

-از متن کتاب

سی و دومین کتاب ایوب آقاخانی منتشر شد!



ایوب آقاخانی (زاده ۱ آبان ۱۳۵۴ در تبریز) نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگر تئاتر ایرانی است. تله تئاترهای بسیاری از این هنرمند در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بخش شده است. این هنرمند یکی از مدرسان بنام نمایشنامه‌نویسی می باشد. وی هم اکنون در رادیو نمایش نیز بعنوان نویسنده متن نمایشهای رادیویی و نیز، بازیگر نقش آفرینی می‌کند.

وی به تازگی جایزه‌ی اثر برتر حوزه ی دفاع مقدس را در سی و ششمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر فجر برای نمایش «هفت عصر هفتم پاییز» کسب کرده است.

برای مشاهده بیوگرافی پر بار این هنرمند محبوب عرصه تئاتر می‌توانید از سایت پوشه دیدن فرمایید.

سی و دومین کتاب ایوب آقاخانی؛ «دو سه گانه برای جنگ» توسط نشر هتردفاع منتشر شد. این کتاب که شامل شش نمایشنامه ی جنگی آقاخانی در قالب دو تریلوژی (سه گانه) است. سه گانه اول که واقعه نگاری نام دارد شامل سه نمایشنامه با نام های «فصل خون»، «آسمان و زمین»، و «اروندخون» است. سه گانه دوم «پرتره نگاری» نام دارد و نمایشنامه های «کابوس شب نیمه آذر»، «تکه های سنگین سرب» و «هفت عصر هفتم پاییز» را شامل می شود.

سی و دومین کتاب ایوب آقاخانی به تازگی منتشر و توزیع شده است و شما می‌توانید برای خرید و یاسفارش کتاب به آدرس زیر مراجعه کرده و یا با شماره تماس زیر ارتباط برقرار نمایید:

خیابان انقلاب- روبروی دانشگاه تهران- پلاک ۶۶۲۱

تلفن و فاکس: ۸۰۱۴۵۹۶۶

دانشگاه علم و فرهنگ نیز از دهه آخر مهر ماه، برای علاقمندان به نمایشنامه نویسی، دوره آموزشی با تدریس استاد ایوب آقاخانی برگزار می‌کند. برای اطلاع بیشتر با شماره زیر تماس حاصل فرمایید. ۸۸۹۸۳۴۳۹

بخشی از نمایشنامه "تمام صبح های زمین" به نویسندگی "ایوب آقاخانی"

جمیله: اگه این طور باشه، بد هم نیست. بد هم نیست. می دونید آقا! من حرف های شما رو باور نمی کنم ولی بد نیست یه خرده هم من براتون حرف بزنم. جایی جنگی سراغ ندارم که به پول و نفت ختم نشه! «اسرائیل» بدون جنگ اصلا وجود نداره. برای موجودیت خودش باید دائما بجنگه! اینو همه ی دنیا پذیرفتن. من عین بچه کوچولوها سراغ سرپازای U.N رو گرفتم. یاد تونه؟ دفعه ی قبل که پیشتون بودم. شاید یک آن یادم رفته بود که تو آماري که سال ۱۹۶۰ از سازمان ملل در مورد آواره های سرتاسر دنیا منتشر شد، اصلا اسم «فلسطین» هم نبود! اعتقاد یهود ایینه که «ما باید در سرزمین مادری خودمون زندگی کنیم!» در صورتی که اجدادشون فقط پونصد سال اون جا سکونت داشتند و بیشتر از سه هزار سال آواره بودند! مگه بنیانگذاران «بیت المقدس» اعراب مسلمان نبودند؟ منظورم «یابسی» های قبيله ی کنعانه! «اورشلیم» رو اعراب مسلمان بنا کردن. این تاریخه آقا! حرف «جمیله فرحت» یا «احمد فرحت» یا «غسان فرحت» یا هیچ «فرحت» دیگه ای نیست! تو «فلسطین» اون زمان، سال ۱۴۰ میلادی، علاوه بر عده ی قلیلی عبری، کلدانی ها، آشوری ها، فنیقی ها، کنعانی ها، آرامیون، حیثیون و ایرانی ها هم سکونت داشتند. اون وقت چطوره که به خاطر همون تعداد کم عبری ها، اسم اون سرزمین میشه «اسرائیل»؟ امروز اگه به من یا پدر بزرگم، اونم جسدش، یا به پدر و مادرم مرده ام می گین خطرناک، باید بگم خوشحالم می کنه؛ اما چیزهایی رو که بهتون گفتیم، فقط من نیستیم که می دونم. بعضی از اون بچه های سنگ به دست شیطون هم می دونن ...

صدا: از شماها شنیدن!

جمیله: [سریع] امیدوارم!

[سکوتی می شود. طولانی. «جمیله» آشکارا برافروخته است.]

صدا: [نفسی می کشد] وظیفه من نیست که غلط های حرف شما رو بگیرم. ما برای کار دیگه ای اینجاییم ...

جمیله: [سریع قطع می کند] که نمی دونیم چیه!

صدا: [بلند - عصبی] من می دونم خانم! تو نمی دونی! [سکوت دوباره - آرام تر] پیداست تو رشته ی روزنامه نگاری سه چهار واحد هم تاریخ «فلسطین» پاس کردین. نه؟

جمیله: اینا رو همه پاس کردن آقا! شما غافلید!

صدا: اشتباه می کنی.

جمیله: [سرسخت] نه اشتباه نمی کنم. پیداست عین کبک سرتونو کردین زیر برف و از دور رو برتون خیری ندارین!

صدا: مطمئنی؟! می دونی تا حالا چند تا کشور بودم؟ با چند نفر مصاحبه کردم؟

جمیله: بازجویی کلمه ی مناسب تری نیست؟

صدا: یادمه گفتین زندانی ما نیستین!



نگاهی به فیلم تحسین برانگیز

تنگه ابوقریب...

تنگه ابوقریب فیلمی به نویسندگی و کارگردانی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج در سال ۱۳۹۶ است. نخستین نمایش این فیلم در جشنواره فیلم فجر بود. این فیلم یکی از ۳ فیلمی است که سازمان اوج در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر و در کنار فیلم‌های به وقت شام و سوء تفاهم اکران خواهد کرد. «تنگه ابوقریب» در کنار مپ؛ یک عاشقانه با یازده نامزدی سیمرغ بلورین پیشتاز جشنواره سی و ششم شدند. این فیلم با دریافت شش سیمرغ بلورین بیشترین سیمرغ را از سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر دریافت کرده است. این فیلم روایتی است از دفاع گردان عمار یاسر لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله در برابر لشکرکشی رژیم بعث به فکه و شرفانی. در روزهای پایانی جنگ عراقی‌ها باید از سد یک پایگاه که شکل تنگه است عبور کنند که با مقاومت شدید نیروهای ایرانی روبه رو میشوند. «تنگه ابوقریب» که بر اساس یک داستان واقعی است؛ روایت سربازانی را روایت می‌کند که فقط پنج روز مانده به تصویب قطعنامه و صلح دائمی بین ایران و عراق در یک وضعیت دهشتناک با دست‌خالی عملاً مجبور به عقب‌راندن ده‌ها تانک جبهه روبرو می‌شوند

فیلم جدید بهرام توکلی همه مؤلفه‌های ژنریک یک فیلم جنگی درجه‌یک را در خود دارد، از قهرمانی که قرار است برگردد مرخصی و در آخرین لحظه تصمیمش را تغییر می‌دهد و زیر همه چیز می‌زند و تا انتهای خط هم می‌رود تا پسر بچه نوجوانی که نماد سادگی و معصومیت است علت حضورش در سینه‌کش جبهه برای آن است که ما به‌عنوان مخاطب زشتی‌ها و پلشتی‌های جنگ و جنگیدن رو از نقطه‌نظر او ببینیم تا مرگ قهرمانان اسلوموشن‌گونه کاراکترهای قصه در پایان فیلم وقتی موسیقی حماسی حامد ثابت به اوج می‌رسد؛ و حتی شعاری بودن برخی دیالوگ‌ها که اتفاقاً در راستای وفاداری به ژانری است که فیلم به آن تعلق دارد؛ شبیه به دیالوگی که دانشجوی پزشکی داوطلب با بازی حیرت‌آور جواد عزتی به علی نوجوان می‌گوید:

ما می‌جنگیم حواست باشه ما داریم از خانه و کاشانه و سرزمین‌مون دفاع می‌کنیم.

فارغ از اینکه قصه و روایت «تنگه ابوقریب» شما رو به‌تازگی زده می‌کند، کارگردانی سکانس پلان‌های طولانی این فیلم به همراه جلوه‌های ویژه میدانی و کمی غیر میدانی آن یک اتفاق در سینمای ایران محسوب می‌شود.

از این جهت فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» یک حس، یک همدلی و همراهی به‌موقع و درعین حال تاریخی را به جامعه جدا افتاده ما تزریق می‌کند. از طرفی دیگر «تنگه ابوقریب» می‌تواند تلنگری به‌موقع باشد برای روح خسته و از توان افتاده یک ایرانی که ریشه در این خاک دارد و او را به یک گذشته نه‌چندان دور پر غرور و افتخار انگیز بیاورد.



به بهانه اکران

مغزهای کوچک زنگ زده...

مغزهای کوچک زنگ زده فیلمی به کارگردانی و نویسندگی هومن سیدی و تهیه کنندگی سعید سعدی محصول سال ۱۳۹۶ است. نوید محمدزاده و فرهاد اصلانی در نقش دو برادر، شخصیت های اصلی این فیلم را برعهده دارند. تعدادی از بازیگران این فیلم از بین ۱۵ هزار ویدیوی ارسالی فراخوان بازیگری و شاگردان کلاس های هومن سیدی انتخاب شده اند. مغزهای کوچک زنگ زده کاندیدای یازده جایزه از جشنواره فیلم فجر و برنده چهار جایزه از جمله سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه شد. این فیلم سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را هم به دست آورد. مردمی که در این فیلم به تصویر کشیده شده اند در پی فقر به بزهکاری خصوصا مقوله تولید و پخش مواد مخدر روی آورده اند و یا از خردسالی در این جامعه بزهکار بزرگ شده اند. همچنین موضوع نگاه های تعصبی به مقوله غیرت در این فیلم به چالش کشیده شده است.

این فیلم در تاریخ ۴ مهر ۱۳۹۷ در سینماهای ایران اکران شده است.

برادر بزرگ خانواده، "شکور"، حکم یک پدرخوانده را دارد که تولید و قاچاق مواد مخدر صنعتی، قاچاق اسلحه، نگهداری در شرایط نامناسب از کودکان بی سرپرست و ربوده شده و تربیت آن ها به منظور بهره برداری های آینده بخشی از کارهای اوست. خط اصلی داستان یک خانواده و روابط بین آنها است و به بهانه های آن "هومن سیدی" به طیف متفاوت و متنوعی از ضد هنجارهای اجتماعی چون تولید و قاچاق مواد مخدر و اسلحه، قتل، دزدی، آدم ربایی، تکی گری، فقر، فحشا گریزی زده است. فیلم مغزهای کوچک زنگ زده صرفا یک واقع نمایی در مقیاس تشدید شده از معضلات اجتماعی است. و چیزی فراتر و عمیق تر از یک بازتاب صرف عرضه نمی کند. با اینکه هومن سیدی با به نمایش گذاشتن به عنوان مثال بازی بچه ها در دل خرابه ها تلاش دارد تصویری انسانی و بعدهای مختلف از این آدم ها و آمال و آرزوهایشان ارائه دهد اما موفق نمی شود که با دو یا سه نما و دیالوگ شخصیت ها این مهم را به انجام برساند.

لحن دیالوگ ها و دایره های کلمات افراد همه شبیه به هم است. تمامی این شخصیت ها گاه دیالوگ های عمیق و متفکرانه در باب زندگی به زبان می آورند که با توجه به پیشینه ای که در مورد آن ها ارائه شده قابل باور نیست. و این نکته نباید در تحلیل فیلم مغزهای کوچک زنگ زده از قلم بیفتد!

بین منتقدان، درباره این فیلم، بحث های فراوانی است. هومن سیدی کارگردان جوانی است که فیلم های آفریقا، سیزده، خشم و هیاهو و اعترافات ذهن خطرناک من را نوشته و کارگردانی کرده است. به غیر از به قدرت بازیگران، در آثار وی، متن فیلمنامه ها جذابیت فراوانی به ساخته های وی داده اند.



(فرستی نمانده است)



فرستی نمانده است
بیا همدیگر را بغل کنیم
فردا
یا من تو را میکشم
یا تو چاقو را در آب خواهی شست
همین چند سطر
دنیا به همین چند سطر رسیده است

به این که انسان
کوچک بماند بهتر است
به دنیا نیاید بهتر است

اصلا
این فیلم را به عقب برگردان
آن قدر که پالتوی پوست پشت ویتروین
پلنگی شود
که میدود در دشتهای دور
آن قدر که عصاها
پیاده به جنگل برگردند
و پرنده گان
دوباره بر زمین...
زمین...

نه!
به عقبتر برگرد
بگذار خدا
دوباره دستهایش را بشوید
در آینه بنگرد
شاید
تصمیم دیگری گرفت ...

شاعر : گروس عبدالملکیان

(عمر مرد)



دریا را نمی شد
تانکر تانکر به شهر آورد
همین طور شهر را نمی شد
کامیون کامیون به ساحل برد
عمر مردی که
دریا و شهر را
یکسان دوست داشت
در جاده گذشت .

شاعر: رسول یونان

(خانه دلنگی)

به کدام خانه
پیراهن چهار خانه ات
پناه ببرم
وقتی
از دلنگی ها لبریزم
و حرفهای بوی تنهایی می دهد
ساعت ها
نگی می دهم
به خطوط راه راه
و فکر میکنم به پیراهنت
از این
میان این همه خانه
کدام قسمت
سهم دلنگی من است

شاعر: سجاد خسروی

(بی نقاب)



لبخند بزنی
بر آنچه می شنوی
و صبور باش
بر آنچه جگر سوز است
که جهان
مزد آدمیان بی نقاب را
نقد می کند حساب.

شاعر: یاسمن پاکروان

شعر زمان ما ...

من خواب دیده‌ام، بخشیده می‌شویم...!

نویسنده: یاسمن پاکروان

آنست بازیگر سیاهپوش، شش نفر با ماسک سفید، فرد وسط با ماسک قرمز، پشت به تماشاگران، در یک سوم انتهای صحنه ایستاده‌اند، در حالی که دستانشان بر شانه یکدیگر است. گفته‌ها با پیچ تکرار می‌شود!

گروه هفت- این شهر!

فقط شب دارد، یک شب که صبح نمی‌شود هیچگاه، شبی به عمق تاریکترین دریاها، شبی به سیاهی مردمک چشم بشر، وقت گناه!

این شهر، بی‌خورشید زنده است!

زمین سرد، زمان یخ بسته، عشق مرده، فرقی درده، تبعید بخاطر اشتباه، ای دو صد افسوس از زهر گناه! صدای قهقهه، نفر وسط به سوی تماشاگران رو می‌کند، ماسک وی قرمز است. [

افسونگر- زهر؟ زهری نیست، حسرتی نیست، آبی نیست! هرچه هست شیرینی است! وانگهی اگر زهر است، از چه رو این چنین چشیدنی است؟

آشش نفر به سوی تماشاگران رو می‌کند!

گروه هفت- افسونگر هفت دریا، شیطان قسم خورده، خنیاگر سیاه!

مردمان شهر، در اندوه

بخششی نیست، نگاهش نیست

مردمان شهر، در جادوسا

افسونگر- انسان بی‌گناه! صدای قهقهه!

جام شیرین زهر آکین در دستان میزبان،

تو سیراب ایمان باش ای انسان!

انسان بی‌گناه؟ دست رد خویش بر سینه ام بزور! من قسم خورده‌ام به فریب!

اشتیاق، میان سینه ات، در جوش باکی ز عاقبتش در خیال تو نیست! تصویر من ز چیست!

آشش نفر به افسونگر می‌نگرند، عقب می‌روند، شخصی از بیرون می‌آید و بر دوش افسونگر لباس و بر سرش تاج می‌گذارد، بقیه همه زانو زدن روی زمین می‌نمایند، بانگ شیپور!

گروه هفت- اکنون وقت مرگ است، وقت مرگ آنکه فعل قبیح را مرتکب شده!

صدا از بیرون صحنه- فعل قبیح؟

گروه هفت- آری، برترین گناه در شهر بی‌خورشید همین است: امید!

صدا از بیرون صحنه - [فریاد] نه!!! امید!!!!

گروه هفت- او را باید زنده زنده سوزانید!

صدا از بیرون صحنه- او را از درخت سوخته آویزان کنید! پوستش را بترشاید! این کافر باید خوراک کرکسها شود!

گروه هفت- بدترین مرگ چیست؟

صدا از بیرون صحنه- مرگ در نهایت امید!

افسونگر- او را بیاورید! بر خاک افکنید.

آفردی را بسته، با ماسک سفید آفشته به لکه‌های خون، به داخل صحنه می‌آورند، او را بر زمین می‌اندازند، سرش رو به آسمان است، دستانش زخمی است!

گروه هفت- مجازات احمقی که در سیاهی، امید بخشش دارد و نور، زنده زنده خاک کردن است در گور! آدوبار تکرار می‌کنند! زنده زنده خاک کردن است در گور! آیه سوره حمد می‌کنند، دورش را می‌گیرند. [

آفرد بسته بر می‌خیزد، گروه به زمین بر می‌خورند، دستهایش گشوده شده، صدای فریاد. [

فرد بسته- رهایم کنید! گرچه رها شدم!

افسونگر- خاموش! ای پلید!

فرد بسته- من آنچه دیده‌ام، نگفتنی است! آندوه بر سالهای رفته که در کبودی گناه بود، آندوه بیشتر بر سالیان عذاب درون!

آیا فریاد! ای مردمان زنده ی شهر، ای مردگان ایستاده، آری امید هست! من خواب دیده‌ام، بخشیده می‌شویم!

افسونگر- دروغ می‌گوید!

فرد بسته- دروغ که دروغ شماست! آری خداوندگار بخشنده هست! این سیاهی تمام می‌شود! من امید دارم، به رحمت خدای مهربان! هرگز رهایم نمی‌کند، آنکه مرا آفرید، این افسونگر پیره، آری تپاه می‌شود.

افسونگر- نقابش را بردارید.

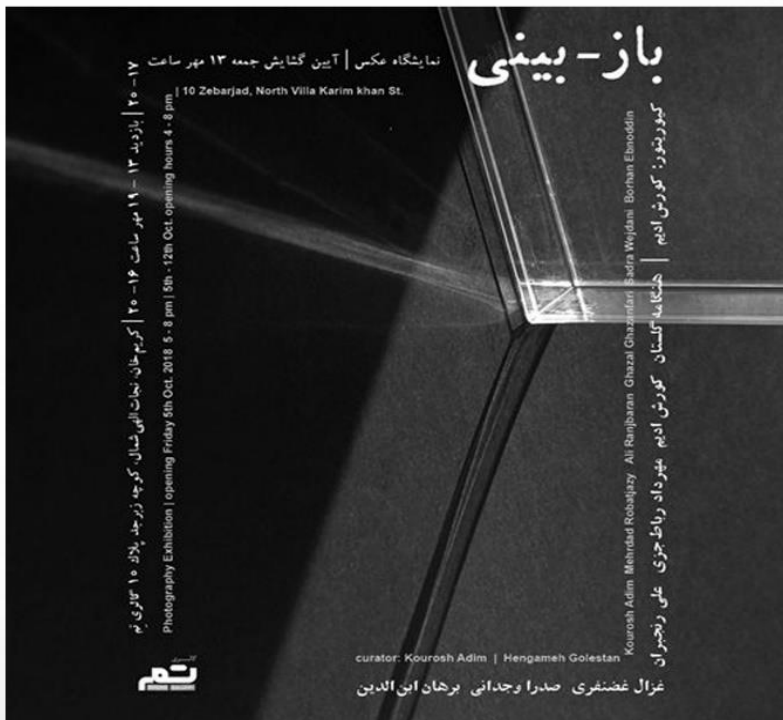
آشش نفر به سوی او هجوم می‌آورند و نقابش را از صورت خارج می‌کنند، صورت او سرخ و خون آلود است، فریاد می‌کشد، بر زمین می‌افتد، همگی فریاد شادی سر می‌دهند، دست و پاها را می‌گیرند و از صحنه او را بیرون می‌برند. [



رویدادهای عکاسی در آغاز پاییز...

۱۳ مهر ۱۳۹۷
تا ۱۸ مهر ۱۳۹۷
۱۶ تا ۲۰ (افتتاحیه)
۱۶ تا ۲۰ (غیرافتتاحیه)
فاطمه شریفی فرزانه
نگارخانه شمیده

میرداماد، میدان مادر، خیابان شهید سنجابی (بهورز سابق)، بن بست
یکم، پلاک ۸، طبقه اول، واحد ۱۲
روزهای تعطیل: پنجشنبه
ساعات کار: ۱۶ تا ۲۰
۲۲۹۲۲۷۹۶



۱۳ مهر ۱۳۹۷
تا ۱۸ مهر ۱۳۹۷
۱۷ تا ۲۰ (افتتاحیه)
۱۵ تا ۱۹ (غیرافتتاحیه)
جمعی از هنرمندان
گالری تم

تهران، خیابان کریم خان زند،
نجات الهی شمالی، کوچه زبرجد،
پلاک ۱۰
ساعات کار: ۱۵ تا ۱۹
۸۸۸۵۳۷۷۱ ۸۸۸۵۳۷۸۲

نمایشگاه عکس بازبینی با ۲۲ اثر از ۷ هنرمند، روز جمعه ۱۳ مهر ماه در گالری تم افتتاح میشود. در این نمایشگاه آثاری متشکل از عکس در شیوههای ارائه مختلف و با آثاری مبتنی بر عکس از هنگامه گلستان، کوروش ادیم، مهرداد رباط جزئی، علی رنجبران، غزال غضنفری، صدرا وجدانی و برهان ابنالدین به نمایش درخواهد آمد.

در بخشی از بیانیه این نمایشگاه به قلم کوروش ادیم نمایشگاهگردان این نمایشگاه میخوانیم: «زندگی شهری و معماری بی روح و بی رحم کلانشهرها و به ویژه هیولاشهری چون تهران و افقهای مسدود و دیدهای محدود و محصور خود از عوامل آزار جسم و جان و دیدگان انسان معاصر است. در این شرایط نامراد افقهای باز دارایی گرانبهایی است برای چشمهای جویندهی عکاس حتی اگر در مقابلش و بین دیدگانش و افق فراخ رو به رو کسی، کسانی، چیزی یا چیزهایی وجود و حضور یابند».

برای مشاهده سایر رویدادهای هنری به سایت <http://galleryinfo.ir> مراجعه فرمایید.



رویدادهای نقاشی در آغاز پاییز...

۱۳ مهر ۱۳۹۷
تا ۱۸ مهر ۱۳۹۷
۱۶ تا ۲۰:۳۰ (افتتاحیه)
۱۶ تا ۲۰ (غیرافتتاحیه)
جمعی از هنرمندان

نگارخانه سلمان

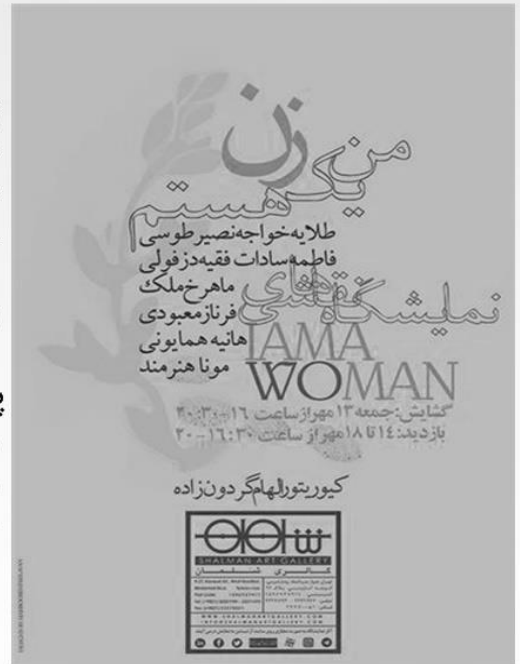

میرداماد، نرسیده به شریعتی، رودبارغری (جنوبی)، کوچه کاوسی، پلاک ۲۷

روزهای تعطیل: پنجشنبه ها

ساعات کار: ۱۶ تا ۲۰

۲۲۲۲۱۹۴۴-۲۲۲۷۱۶۹۳

۲۲۲۷۰۰۵۱

نمایشگاه انفرادی نقاشی (تجربه)

صفورا کریمی

Painting Exhibition by
SAFDORA KARIMI

گشایش: جمعه ۶ مهر ماه ۹۷
بازدید برای عموم: ۶ تا ۱۰ مهر ماه ۹۷
از ساعت ۱۶ تا ۱۹
از ساعت ۱۶ تا ۱۹
نگارخانه روزهای چهارشنبه تعطیل است.

Opening: Friday sep 28 , 2018 from 4-7 pm
Public visit : Friday sep 28 - 2 oct ,2018 from 4-7 pm
Gallery is closed on wednesday.

Address: No 21 , Dr Fatemi St. ,
Valiasr St. , Tehran
Tel: (98) 2188390125

آدرس: تهران ، خیابان ولیعصر
ابتدای فاطمی ، رو به رو مترو جهاد ،
شماره ۲۱ ، گالری ژینوس

۰۶ مهر ۱۳۹۷
تا ۱۰ مهر ۱۳۹۷
۱۶ تا ۱۹ (افتتاحیه)
۱۷ تا ۲۰ (غیرافتتاحیه)
صفورا کریمی
گالری ژینوس

خیابان دکتر حسین فاطمی ، ابتدای
خیابان ولیعصر ، پلاک ۲۱ ، طبقه اول
روزهای تعطیل: پنجشنبه ها
ساعات کار: ۱۷ تا ۲۰
۸۸۹۷۵۵۷۴

برای مشاهده سایر رویدادهای هنری به سایت <http://galleryinfo.ir> مراجعه فرمایید.



آشنایی با دستگاه‌های موسیقی ایرانی...

دستگاه‌های موسیقی ایرانی یا به شکل خلاصه دستگاه اصطلاحی در موسیقی سنتی ایرانی است که به مجموعه‌ای از چند نغمه (گوشه) اطلاق می‌شود که با هم در گام، کوک، و فواصل نت هم‌آهنگی دارند. بیشتر منابع معاصر هفت دستگاه را بر می‌شمرند و علاوه بر آن، پنج آواز نیز مطرح می‌کنند که هر کدام زیرمجموعه‌ی یکی از این هفت دستگاه است. این دستگاه‌ها عبارتند از همایون، ماهور، شور، سه‌گانه، چهارگانه، راست پنج‌گانه، و نوا.

با این حال، برخی منابع آوازهایی که توسط دیگران جزو دستگاه شور و همایون طبقه‌بندی می‌شوند را نیز یک دستگاه جداگانه می‌دانند و تعداد کل دستگاه‌ها را ۱۲ یا ۱۳ عدد برشمرده‌اند. گوشه‌های دستگاه‌ها در قالب مجموعه‌ای به نام ردیف گردآوری می‌شوند. معمولاً دستگاه‌ها با گوشه‌ای به نام «درآمد» آغاز می‌شوند که در آن مد اصلی دستگاه معرفی می‌شود. گوشه‌های بعدی در دستگاه معمولاً آن را به سمت نت‌های زیرتر می‌برند که به آن «اوج» گفته می‌شود. دستگاه‌ها نهایتاً از طریق گوشه‌های دیگری به مد اصلی خود «فروود» می‌کنند. بین دستگاه‌های مختلف روابطی برقرار است. برخی گوشه‌ها در بیشتر از یک دستگاه دیده می‌شوند که این امر می‌تواند پرده‌گردانی از یک دستگاه به دستگاه دیگر را میسر سازد.

اگر چه تعداد دستگاه‌ها دست کم هفت مورد دانسته می‌شود، اما از نظر فواصل و مد موسیقایی، آن‌ها را به چهار یا پنج گروه تقسیم‌بندی می‌کنند و این اشتراکات فواصل نیز زمینه ساز رابطه بین دستگاه‌ها است. از بین دستگاه‌های موسیقی ایرانی، دستگاه شور مهم‌ترین دانسته می‌شود و موضوع تحقیقات بسیاری نیز بوده است. دستگاه عبارت است از مجموعه‌ای از گوشه‌ها که بر اساس منطقی درونی به‌طور سنتی کنار هم قرار گرفته‌اند و معمولاً دارای مدهای خاص خود می‌باشند. به نظر می‌رسد که ترتیب گوشه‌های یک دستگاه مبتنی بر ملایمت باشد؛ هر دستگاه از گوشه خاصی شروع شده و به همان گوشه نیز ختم می‌شود. لفظ «دستگاه» به عقیده بیشتر نظریه پردازان، اشاره به موقعیت دست روی دسته سازهایی نظیر تار و سه‌تار دارد (یعنی متشکل است از دست + «گانه» به معنی موقعیت، مثل «ایستگاه» یا «پاسگاه»). با این حال عده‌ای نیز معتقدند که گانه در واقع ریشه در «گات» دارد و آن را به متون اوستایی مرتبط می‌دانند.

پیروان دیدگاه اول، اشاره می‌کنند که به پرده‌های ساز نیز در گذشته «دستان» گفته می‌شود و لذا نام دستگاه‌ها (نظیر سه‌گانه و چهارگانه) به قرار گرفتن دست روی این دستان‌ها اشاره دارد. واژه دستگاه به معنای موسیقایی‌اش ظاهراً اولین بار در رساله‌ای با نام رساله در بیان علم موسیقی و دانستن شعبات او به کار رفته است. این رساله احتمالاً پیش از ۹۷۴ هـ ق نگارش شده است و در آن برخی از مقام‌های موسیقی «صاحب دستگاه» توصیف شده‌اند.

دستگاه همایون :

دستگاه همایون از نظر فواصل، دانگ اولش به دستگاه شور نزدیک است و از طریق گوشه‌های دیگرش امکان پرده‌گردانی به دستگاه‌های نو، سه‌گانه و چهارگانه را نیز فراهم می‌کند. آواز شوشتری و آواز بیات اصفهان نیز از ملحقات این دستگاه به شمار می‌آیند. از دیگر گوشه‌های مهم این دستگاه می‌توان به گوشه «بیداد» اشاره کرد.

دستگاه ماهور:

دستگاه ماهور یکی از دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی است. این دستگاه در ردیف‌های گوناگون در حدود ۵۰ گوشه دارد و به علت حالت و ملودی روانی که دارد اغلب به صورت موسیقی شاد در جشن‌ها و اعیاد نواخته می‌شود. گوشه‌های این دستگاه در سه بخش بم، میانی و زیر اجرا می‌شوند.

ماهور با طمانینه و باوقار است و اگر با شعر مناسبی همراه باشد ابهت و شکوه خاصی خواهد داشت. ماهور طرب‌انگیز و بشاش است، به همین دلیل برای آهنگهای پر هیجان و پرشور مناسب است و هر جا بخواهند شجاعت و دلبری را نشان دهند ماهور مناسب است. طبق تعبیر متافیزیکی استاد مجید کیانی درباره موسیقی ایرانی، «ماهور» آغاز روز، آغاز زندگی، شور و جوانی، غرور و توانگری، بی‌نیازی، سلحشوری و استغناء است. (مقام استغناء در هفت وادی عرفان)

دستگاه شور:

دستگاه شور، از دستگاه‌های موسیقی ایران است، که توسط بسیاری مهم‌ترین دستگاه موسیقی ایرانی دانسته می‌شود. این دستگاه منشأ چند آواز مهم در ردیف موسیقی ایرانی است (ابوعطا، بیات ترک، افشاری و دشتی) و دانگ اصلی آن، جزو دانگ‌های پایه در موسیقی ایرانی دانسته می‌شود.

برخلاف برخی دیگر از دستگاه‌ها، دستگاه شور همانام یکی از مقام‌های قدیم موسیقی ایرانی نیست. درجات شور با مقام حسینی مطابقت دارند اگر چه برخی از گوشه‌ها با فواصل مقام فرعی جان‌فزا تطبیق دارند. در ردیف‌های مختلف موسیقی، گوشه‌های مختلفی برای این دستگاه برشمرده شده، اما مهم‌ترین گوشه‌هایی که در بیشتر این ردیف‌ها آمده‌اند شامل شهناز، گرلی، ملا نازی، بزرگ و رهاب می‌شود.

سه‌گانه:

دستگاه (برگرفته از مفهوم محل قرار گرفتن دست بر روی ساز) کلمه‌ای است که در موسیقی، برای بیان و طبقه‌بندی حالات شنیداری و احساسی متفاوت یا متمایزی که احساس می‌شود به کار می‌رود. یکی از دلایل اصلی ایجاد این حالات متفاوت در شنونده، کوک متفاوت در ساز است و عامل اصلی دیگر آن، غالب بودن اجرا و بیان یک نت خاص است که اجرا می‌شود. عوامل دیگری همچون ریتم، نوع ساز و ... نیز در این عامل موثرند. افراد و اشخاص متفاوت به فراخور و به دلیل تجربه‌های متفاوت، حالات روحی متفاوت، نوع شخصیت بارز متفاوت و ... از شنیدن یک ملودی در یک دستگاه خاص، احساس یکسانی را تجربه و بیان نخواهند کرد. اما شباهت کلی در احساس آن‌ها وجود خواهد داشت و تفاوت در مراحل و مراتب جزئی‌تر دیده می‌شود. به عنوان مثال ملودی و نغمه‌ای که کاملاً غمگین باشد، برای هر فرد دیگری نیز غمگین خواهد بود. دستگاه‌ها در موسیقی هم برای بیان و برانگیختن همین احساسات و حالات روحی استفاده می‌شود که در صورت انتخاب شعری مناسب برای خواننده‌گی (در صورت حضور خواننده)، می‌توان بر تأثیر ملودی افزود. بنابراین هر دستگاهی، هر آواز و با مقامی در موسیقی، در قرانت یا موسیقی، حالات کلی خاصی را در شنونده ایجاد و القا می‌کند. دستگاه سه‌گانه، بیشتر برای بیان احساس غم و اندوه که به امیدواری می‌گراید، مناسب است. نغمه‌های آوازی موجود در سه‌گانه، بسیار غم‌انگیز و حزین‌اند.

چهارگانه:

آواز چهارگانه نمونه جامع و کاملی از تمام حالات و صفات موسیقی ملی ماست. چرا که درآمد آن مانند ماهور، موقر و متین است و شادی و خرمی خاصی دارد. در ضمن آواز زابل در همه دستگاه‌ها و در اینجا حزن و اندوه درونی در آواز ما دارد. آوازی نصیحتگر، تجربه آموز و توانا مانند همایون دارد و آواز مویه و منصوری غم‌انگیز و حزین است. پس این دستگاه نیز به دلیل کمال خود هم گریه و زاری می‌کند و هم شادی می‌آفریند و گاهی مسرور و شادمان است و گاهی نیز غم‌انگیز و دل‌شکسته و با توشه‌ای از متانت و وقار عارفانه شرقی. اما روی هم رفته چهارگانه را می‌توان دستگاهی محسوب کرد که مانند پیری فرزانه دارای روحی بلند و عرفانی است و احساسات عالی انسانی را در کنار حصایص و محسنات انسانی صبور و شکبیا داراست. از ناکامی‌ها و ناامیدی‌ها اشک غم می‌ریزد و در شادی‌ها و خوشی‌ها اشک شوق و سرور. این دستگاه، بهترین گزینه برای ساخت قطعات و تصانیف ملی میهنی و حماسی است به طوری که به زیبایی می‌تواند حالت شوق و افتخار وصف ناپذیری را در شنونده به وجود آورد.

راست پنج‌گانه:

دستگاه راست پنج‌گانه، که با نام راست و پنج‌گانه یا راست هم شناخته می‌شود، یکی از دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی است. راست پنج‌گانه، دست کم از نظر نام با هیچ یک از مقام‌های موسیقی سنتی ایران مطابقت ندارد، و به عقیده برخی، نام راست و پنج‌گانه هر دو نام‌های تازه‌تری بین مقام‌های موسیقی هستند. دانگ اول دستگاه راست پنج‌گانه با مقام راست ارتباط و با دستگاه ماهور مطابقت دارد. این دستگاه، امکان پرده‌گردانی به تمام دستگاه‌های دیگر را فراهم می‌کند و برخی معتقدند که هدف از ایجاد این دستگاه، آموزش مراحل عالی موسیقی از جمله مرکب‌نوازی و مرکب‌خوانی بوده‌است.

دستگاه نوا:

دستگاه نوا یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است. نوا دومین مقام از دوازده مقام اصلی موسیقی قدیم ایران بوده است. دستگاه نوا را آوازی در حد اعتدال که آهنگی ملایم و متوسط، نه زیاد شاد و نه زیاد حزن‌انگیز دارد، می‌شناسند. نوا یک از دستگاه‌هایی است که به ندرت توسط اساتید اجرا می‌شود و آوازخوانان جوان بیشتر به سمت شور و متعلقات آن (به علت سادگی و روان‌تر بودن) تمایل دارند. بسیاری از اساتیدی هم که این دستگاه را اجرا کرده‌اند، آن اثر تبدیل به یکی از ماندگارترین آثار آنان شده است. مانند چهره به چهره محمدرضا لطفی، نوا حسین علیزاده، نوا و مرکب خوانی پرویز مشکاتیان و دود عود پرویز مشکاتیان. هر چند که بعضی از اساتید مثل علینقی وزیری و روح‌الله خالقی، نوا را مشتق از شور شناخته‌اند، اما این دستگاه دارای تفاوت در نت شاهد و ایست و همچنین شخصیت مستقل آوازی با شور و مشتقات آن می‌باشد.

طبق نظر مجید کیانی در باره موسیقی ایرانی، "نوا" سرانجام نیایش زندگی و انسان است. سرانجام آهنگ روشنایی روز که به تاریکی و نیستی می‌رسد، فقر و فنا است، نوید شپه تازه را می‌دهد که سرانجام تولدی است تازه و آن تکرار مدار که همان ابتدای آن "شور" است. (مقام فنا در وادی‌های هفت گانه عشق)



زیارت اربعین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **السَّلَامُ** عَلَى وَثِي اللَّهِ وَحَبِيْبِهِ **السَّلَامُ** عَلَى خَلِيْلِ اللَّهِ وَنَجِيْبِهِ **السَّلَامُ** عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيَّتِهِ **السَّلَامُ** عَلَى الْحَسَنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ **السَّلَامُ** عَلَى
 أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنْهُ وَلِيْكَ وَابْنُ وَلِيَّتِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَابْنُ
 صَفِيَّتِكَ الْفَائِزُ بِكِرَامَتِكَ اَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبُوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتِنِبَتْهُ بِطَيْبِ الْوَلَادَةِ وَ
 جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِيْكَ الْاَنْبِيَاءِ
 وَجَعَلْتَهُ حَجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِيَاءِ فَاَعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصِيْحِ وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ
 لِيَسْتَقْبَلَ عِبَادَكَ مِنَ الْجِهَالَةِ وَخَيْرَةَ الصَّلَاةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرْتِهِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ
 بِالْاَرْضِ وَالْاَدْنَى وَشَرَى اَخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَاسْتَخْطَكَ
 وَاسْتَخْطَبْتِكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ
 فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَاسْتَبِيْحَ حَرِيْمَهُ اَللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا
 وَبِيْدًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا **السَّلَامُ** عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُوْلِ اللَّهِ **السَّلَامُ** عَلَيْكَ يَا بَنِي سَيِّدِ
 الْاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيْنُ اللَّهِ وَابْنُ اَمِيْنِهِ عَشِيْتْ سَعِيْدًا وَمَضِيْتْ حَمِيْدًا وَمُتَّ قَبِيْدًا
 مَظْلُومًا شَهِيدًا وَاشْهَدُ اَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ
 قَتَلَكَ وَاشْهَدُ اَنَّكَ وَقِيْتْ بَعْدَ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيْلِهِ حَتَّى اَيَّتِكَ الْيَقِيْنَ فَلَعَنَ اللَّهُ
 مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيْتْ بِهِ اَللَّهُمَّ اِنِّي
 اَشْهَدُكَ اَنِّي وَلِيٌّ لِرَبِّ الْاِلَهِ وَعَدُوٌّ لِرَبِّ عِبَادِهِ يَا بَنِي رَسُوْلِ اللَّهِ اَشْهَدُ
 اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّاحِبَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تَحْسَبْ الْجَاهِلِيَّةُ
 بِانْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمَذْهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّيْنِ وَارْكَانِ
 الْمُسْلِمِيْنَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ النَّبِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيْبُ الْهَادِي
 الْمُهْتَدِيُّ وَاشْهَدُ اَنَّ الْاِيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَاعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى
 وَالْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَاعِ دِيْنِي وَخَوَاتِمِ
 عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْتِيَنَّ
 اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى اَزْوَاجِكُمْ
 وَاجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ اَمِيْنُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ.



بگذار تا بگریه

چون ابر در بهاران



کز سنگ ناله خیزد

روز وداع یاران